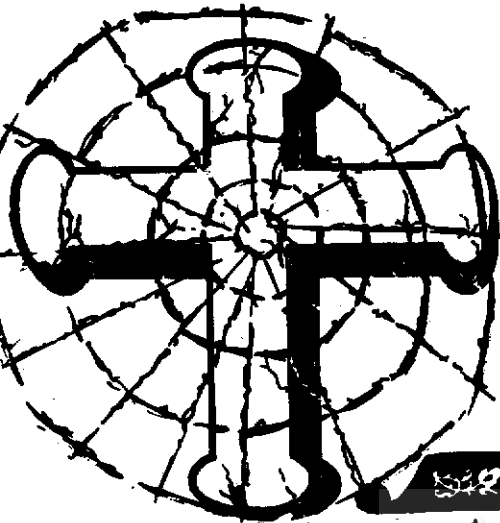


# تناقض و اختلاف در عهدین



با این تناقضهای روشن

چگونه می توان این کتابها را آسمانی یا مقدس دانست ؟

الف - اختلاف و تناقض مطالب کتابی با مطالب کتاب دیگری از عهدین .

ب - تضاد و اختلاف بندها و جمله های يك فصل از يك کتاب با جمله های فصل دیگر از همان کتاب .

ج - اختلاف جمله های يك فصل با جمله های دیگر همان فصل . ناگفته پيدا است که این قسم اخیر از اختلاف و تناقض ، ازدو قسم گذشته شگفت انگیزتر است ، زیرا نویسندگان این کتابها (برخلاف اعتقاد مسیحیان جهان که همه آنها را وحی والهامی میندازند ) اگر کمترین دقت و یا اندک حافظه ای می داشتند متوجه می شدند که نباید چنین حرفهای ضد و نقیضی را آنهم در يك فصل بهم بیافند .

سخن درباره تضادها و اختلافات اناجیل و دیگر کتابهای مذهبی مسیحیت بود . در شماره پیش ، اختلاف و تناقض کتب مقدس ا مسیحیت را پیرامون يك موضوع (نسب نامه مسیح) مطالعه فرمودید. اکنون باید دید آیا اختلاف و تباین عهدین با یکدیگر ، به همین يك مورد محدود می شود یا در موارد دیگری هم ، این کتابهای به اصطلاح آسمانی ا با هم تضاد و تناقض دارند ؟ .

بررسی و تحقیق در عهدین ، نشان می دهد که اختلاف و تضاد در میان کتابها و رساله های آنها ، بقدری زیاد و روشن است که حتی تصور آن برای بسیاری از مردم مشکل به نظر می رسد . تباین و اختلاف این کتابها را می توان به سه گونه رده بندی کرد :

و احياناً كشتارهای دستجمعی پیدا کرده است در عین حال، این گونه رفتار را با افراد بی گناه، بی دفاع به ویژه (زنان) تقییح می کند.

از این رو، مجامع بین المللی به هنگام وقوع این نوع حوادث، سروصدا براه می اندازند و افکار و عواطف انسانها آن را محکوم میکنند و اصولاً چنین رفتاری جز از آدمهای وحشی و محروم از عواطف انسانی و دور از تعالیم عالیه انبیا سر نمی زند و نیست انجام چنین عمل به سرپرستی کسی که رهبر آسمانی و پشتیبان تقوی و عفت در جوامع انسانی است نشانه جهل و خرافات است.

۲ - در کتاب حزقیال نبی بندهای ۲۰ - ۲۲ باب ۱۸ می خوانیم: هر که گناه کند او خواهد مرد، پسر متحمل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمل گناه پسرش نخواهد بود، عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود، و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود، و اگر مرد شریر از همه گناهانیکه ورزیده باشد بازگشت نماید و جمیع فرایض مرا نگاه داشته، انصاف و عدالت را بجا آورد او البته زنده مانده نخواهد مرد... « این جمله ها به روشنی می گویند که سنگینی و زور گناه آدمی تنها به دوش خود او است و کسی را برخلاف عقل و ادیان راستین، به جرم گناه دیگری مجازات نخواهند کرد. در حالی که سفر خروج می گوید: لکن گناه را هرگز بی سزا نخواهد گذاشت بلکه خطایای پدران را بر پسران

اینک نمونه های تناقض و اختلاف عهدین را خواهیم دید:

۱ - در سفر خروج از کتاب عهد هتیب آمده است: «قتل مکن، زنامکن، دزدی مکن و بر همسایه خود شهادت دروغ مده...» (۱) این سخن که صریحاً از ارتکاب عمل زشت و ناپسند زنا نهی می کند، با آنچه که در کتاب زکریا، پیرامون فرمان هجوم و یورش از جانب آن پیامبر به شهر «اورشلیم» وارد شده، تناقض و ضدیت آشکاری دارد. در این کتاب می خوانیم اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانست تقسیم خواهد شد و جمیع امته را برضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه را تاراج خواهند کرد و زنان را «بی عصمت» خواهند نمود...» (۲)

بدینسان کتابی که مسیحیت به آسمانی ا بودن آن معتقد است، می گوید به فرمان «زکریای نبی» سربازان و مجاهدان راه خدا! نخست شهر «اورشلیم» را به تصرف خود درمی آورند و سپس به غارتخانه ها و تاراج اموال عمومی و تجاوز به زنان مردم می پردازند! این مطلب علاوه بر تضاد و اختلافی که با سفر خروج - که زنا را صریحاً حرام می شمرد - دارد، دلیل واضحی است بر جعل و ساختگی بودن این کتاب. زیرا جنگ دردنیای امروز با همه ابعاد وسیعی که از نقطه نظر سلاحهای مخرب و آتش زا

(۱) سفر خروج باب ۲۰ بندهای ۱۴ تا ۱۷

(۲) زکریای نبی باب ۱۴ بندهای ۱ - ۲

جمله ۹ باب ۳ از سفر تکوین که در مورد علم خداوند است با هم تبیین و تناقض دارند. در کتاب امثال سلیمان می گوید: چشمان خداوند در هر جا به بدن و نیکان نگران است ولی در سفر تکوین (پیدایش) آنجا که از داستان خلقت حضرت «آدم و حوا» و سرگذشت بهشتیان سخن به میان می آید، می گوید: «و آواز خداوند خدا را شنیدند (یعنی آدم و حوا) که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می خرامید و آدم و زنبق خویشتن را از حضور خداوند در میان درختان باغ پنهان کردند، و خداوند خدا آدم را ندا داد و گفت کجا هستی؟» ...!

در کتاب اول (۵) «سموئیل» نیز مطلبی است درباره تغییر اراده خداوند و پشیمانی او در مورد اعطاء پادشاهی به «شاؤل» که با جمله ۱۹ باب ۲۳ از سفر اعداد تناقض آشکار دارد زیرا در این سفر می خوانیم «خدا انسان نیست که دروغ بگوید و بنی آدم نیست که تغییر به اراده اش دهد»

در جاهای دیگری نیز بین کتابهای عهد عتیق تضاد و تناقض وجود دارد. ما با ذکر شماره بابها و بندها خوانندگان محترم را به مطالعه و دقت در اصل این کتابهای باصلاح مقدس حواله می دهیم. مثلا جمله ۸ باب ۲۴ از کتاب دوم پادشاهان با جمله ۹ باب ۳۶ از کتاب دوم تواریخ ایام مخالف است و نیز جمله ۵ باب ۲۱ از کتاب اول تواریخ ایام

و پسران پسران، تا پشت سوم و چهارم خواهد گرفت» (۳)

بنابراین، حزقیال نبی نه تنها جرم و گناه انسانی را به گردن انسان دیگری نمی اندازد بلکه آشکارا می گوید اگر گنهکار در پرتو توبه و بازگشت به خدا از لوث و آلودگی گناه بدر آید، حیات جاودانی پیدا خواهد کرد ولی سفر خروج می گوید تا چهار پشت انسان گنهکار باید سزای گناه او را بپوشند،

**و این دو کتاب در این مورد با هم کاملا اختلاف و تناقض دارند.**

این دو مورد، به عنوان نمونه ذکر شد و گر نه موارد اختلاف و تضاد کتابهای مقدس! بایک دیگری؛ فراوان است. از جمله سفر تکوین تورات آنجا که سخن از قدرت خداوند بمیان می آورد (به هنگامی که فرشتگان الهی به حضرت ابراهیم و همسرش بشارت می دهند که صاحب فرزند خواهند شد) چنین آمده است: «مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است؟ ...» (۴) این مطلب با سخنانی که در سفر داوران باب اول بندهای ۱۸ - ۱۹ آمده تضادی روشن دارد، زیرا در سفر داوران می گوید با وجودیکه خداوند به «یهودا» کمک می داد در عین حال، نتوانستند دشمنان را از «وادی» برانند چون آنان دارای «عرابه های آهنین» بودند!! و نیز جمله ۳ باب ۱۵ از کتاب امثال سلیمان با

(۳) سفر خروج بند ۷ باب ۳۴

(۴) سفر تکوین باب ۱۸ بند ۱۴

(۵) کتاب اول سموئیل باب ۱۵ جمله های ۱۰ - ۱۱

دخول و خروج هم از اوسلب شده ولا بد  
برای نیازهای ضروری به پرسنار محتاج  
است .

ولی در همین کتاب از باب ۳۴ آمده است « و  
موسی چون وفات یافت صدویست سال داشت و نه  
چشمش نارونه قوتش کم شده بود» (۷) آیا تناقض  
و اختلاف و سخنان ضدونقیض از این هم روشن تر ؟  
در باب يك کتاب از کتابهای مسیحیت موسی را در  
سالهای آخر عمر آنطور می شناساند که به حکم  
«عقل و فطرت» هیچ پیامبری دچار چنین سرنوشت  
شومی نگشته بود و در باب دیگری از همان کتاب  
می گوید موسی با هنگام وفات از نیروی جسمانی  
برخوردار بود و حتی دیدگانش از قدرت بینائی  
نیافته ، و قوتش کاهش نیافته بود .

باجمله ۹ باب ۲۴ از کتاب دوم سموئیل مغایرت  
فاحشی دارد این بود چند نمونه از تناقضات و اختلافات  
کتابی از عهد عتیق با کتاب دیگر آن .

### اما تناقض دو باب از يك کتاب :

۱ - در سفر تثیبه باب ۳۱ می خوانیم « و موسی  
رفته این سخنان را به تمامی بنی اسرائیل بیان کرد  
و به ایشان گفت من امروز صدویست ساله هستم و  
دیگر طاقت خروج و دخول ندارم و خداوند به من  
گفته است که از این « اردن » عبور نخواهی  
کرد» (۶)

ملاحظه می کنید که در این باب « موسی کلیم »  
در سن یکصدویست سالگی آنچنان پیرواز کار افتاده  
معرفی می شود که نه تنها از انجام هر گونه  
وظائف پیامبری عاجز است ! بلکه قدرت

ایمان با خیانت و دروغ سازگار نیست !

رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید :

« یطبع المؤمن علی کل خلق لیس الخیانه و الکذب»

« مؤمن هرگونه اخلاق و خوئی ممکن است داشته باشد جز خیانت و

دروغ !»

(۶) سفر تثیبه باب ۳۱ جمله های ۱ - ۲

(۷) سفر تثیبه باب ۳۴ جمله ۷

مکتب اسلام